

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشتۀ ضیاء
۰۴ جون ۲۰۱۷

ایکاش حاکمان و رهبران افغانستان همت و شجاعت "آریانا سعید" را می داشتند!!

تصویر ویدیویی نشان می دهد که خانم "آریانا سعید" می خواهد همان لباسی را به آتش بکشد که اخیراً با پوشیدن آن در یکی از کنسرتهايش در پاریس موج عظیم انتقاد ها و اعتراضها را تا حد رکیزترین دشنامها از طریق صفحات مجازی در بر داشت. همچنان کسانی هم بودند و هستند که خانم سعید را پشتیبانی می کنند. هرگاه شما خواننده گرامی در یو تیوپ این جمله را به زبان فارسی بنویسید: { آریانا سعید لباسهایی که باعث مشکلات جدی در افغانستان شده بود آتش زد} خود آریانا سعید و سخنهایش را تا آخر آتش زدن لباسهایش، مشاهده کرده می توانید}.



به هر حال! در تصویر به نظر می رسد که خانم آریانا سعید، همان لباسی را که به خاطر پوشیدن آن هنگامه بر پا شده، می خواهد آن را به آتش بکشد. اما قبل از این کار سخنانی دارد که لب و لعابش را با اختصار و به صورت نوشتاری تقدیم تان می کنیم:

آریانا سعید سلام می کند و به ادامه می افزاید: (" اشاره به لباس" این همان لباس بد بخت است که تعداد زیادی از مردم افغانستان همه مشکلات " داخل کشور را فراموش کرده و فکر می کنند که همین لباس بزرگترین مشکل را برای افغانستان به وجود آورده و یگانه پرابلم افغانستان همین لباس است و بس. و اگر همین لباس نمی بود، هیچ مشکلی در وطن نمی داشتیم!!! راستش این وضعیت هم تأسف آور است و هم خنده دار!!! و ادامه می دهد که:

همین که از خواب بیدار شدم، اتاقم را جمع و جور کردم. توجهم به لباسهایی معطوف شد که در کنسرتها از آن استفاده می کردم. به اتاقی که در آن لباسهای کنسرتی ام جا به جا شده است، رفتم. در آن میان نظرم

به لباسی افتاد که طی یک یا دو هفته اخیر به خاطر نازک بودن و یا گوشتی بودن آن هنگامه بر پا شده. آن را بلند کردم همه ماجرا بار دیگر به کله ام خطور کرد و با خود گفتم: به لحاظ خدا این چه روز است؟ همه مشکلات و بدبختی های افغانستان فراموش شده، به جایش این لباس اینقدر بحث بر انگیز شده که در تاریخ شاید نظیر نداشته باشد و اکثر مردم فکر می کنند که همین لباس من است که باعث همه بدبختی ها در افغانستان شده و اگر همین لباسها پوشیده نمی شد، در افغانستان هیچ مشکل نمی داشتیم!!!

خانم سعید همزمان با ژست معنی دار به بیننده هایش می گوید: صبر کنید! می خواهم یک چیز را نشان بدهم (لباس را نشان می دهد) این لباس رنگ گوشتی دارد، نمی دانم چرا مردم ما- در برابر رنگ گوشتی حساسیت دارند؟ طوری که مردم فکر می کنند این لباس نازک و لُج است، حقیقت ندارد. این لباس آستین دار است و در داخل خود یک استر لُک هم دارد و این لباس بدبخت در بیرون خود یک تکه دیگر هم دارد و حتی در کمر خود یک دامن بسیار دراز دارد. به گونه ای که این لباس در ویدیو ها و عکسها نشان داده شده است، آنطور نیست. به خاطر آن که تصویر ها از روی ویدیو سکرین شاپ گرفته شده و از طریق صفحات مجازی در معرض دید مردم طور دیگر گذاشته شده است. هرکدام از کاربران به زعم خود در مورد آن قضاوت کرده اند. بعضی اعتراض و تنفر نشان داده و گفته اند که تو (اریانا سعید) نام افغانها را بد کردی و برخی هم حمایت کرده اند. ...

بلی! من کسی هستم که به صورت عادی از پوشیدن لباسهای بی حد آزاد اجتناب کرده ام. شما لباس بی اندازه آزاد را در تن من ندیده اید. شما حتماً متوجه شده اید که یخن پیراهن های من باز نبوده و همچنان لباسهای کوتاه را نپوشیده ام، حتی همین لباس موجود که مهمه برپا کرده در خارج از افغانستان یک لباس عادی می باشد. واما برای یک هنر مند که بالای ستیژ می رود لازم است لباس متفاوت بپوشد....

خانم آریانا سعید تأسف کنان می افزاید: ای کاش آنهايي که با دید منفی و افراطی به لباسهای من اعتراض کرده اند، همه شان با صدای بلند مشکلات بنیادی افغانستان را به فریاد بکشند. خلاف آن به دنبال چیز های پیش پا افتاده تا سرحد دشنام بر یکدیگر توسل می جویند. من ممنون کسانی هستم که با شناخت از شخصیت من، مرا پشتیبانی کرده اند. اکثراً می دانند؛ من کسی هستم که با جدیت لباس افغانی را در کنسرتها پوشیده ام و چه بسا دختر خانمها با خریداری لباسهای افغانی که در لیبلهای آن عکس من وجود دارد آن را از مغازه های لباس فروشی خریداری کرده اند و در محافل عروسی و هرجای دیگر به گونه فیشن مورد استفاده قرار داده اند. قابل یاد آوری می دانم که من نمی خواهم تمام کریدت را از آن خود بدانم، ولی سهم شایسته را در پوشیدن لباس افغانی انجام داده ام...

... فرض کنید، در کنسرت پاریس این لباس را نمی پوشیدم، آیا مشکلات و بدبختی های افغانستان با نپوشیدن آن توسط من خاتمه پیدا می کرد؟ آیا بزرگترین مشکل افغانستان همین لباس من است؟ آیا کسانی که مرا انتقاد کرده اند، به این فکر شده اند که با پوشیدن یا نپوشیدن لباس کنسرتی من دیگر پسر بچه هایی که هنوز خرد سال اند در مجالس کشور ما رقصانده نمی شوند؟ و در آخر شب هرکدام به خاطر بردن آنها به خانه های شان جنگ و رسوائی نمی کنند؟ و یا دیگر فرخنده ها در ملای عام جان نمی دهند و سوختانده و یا سنگسار نمی شوند و یا دخترک های زیر سن جبراً عروسی نمی شوند و طفلهای معصوم در سرکها دست به گدائی نمی زنند، انتحاری ها و کشتن ها و دزدی ها خلاص می شود و ...؟

بلی! من تصمیم گرفته ام که این لباس بدبخت را آتش بزنم و آن را بسوزانم و این آرزو را دارم که دیگر مردم ما به این لباس بیشتر توجه نکنند، به خلاف همگان متحدانه توجه شان را برای حل مشکلات اساسی افغانستان معطوف بسازند. اگر فکر می کنید که مشکل افغانستان در لباس من است، من آن را آتش می زنم. من هموطنانم را و حتا

کسانی را که نفرت نشان داده اند، همه را دوست دارم و احترام می کنم. کسانی که نفرت کرده اند، گناهی ندارند. زیرا جاهل هستند. آنها دنیا را ندیده اند.

یک پرسش دارم:

اگر قرار باشد به خاطر پوشیدن لباس خاص کنسرت مرا بد خطاب کنید و در قفای من هرگونه گپ بزنید، دشنام بدهید ... پرسش من این است؛ آیا زنهایی که در داخل افغانستان به سر می برند و لباسهای مثل لباس مرا نمی پوشند، چادری دارند، با حجاب هستند و به میل شما لباس می پوشند، در بیرون از منزل کار نمی کنند زندگی راحت دارند؟ من می دانم این چادری و حجاب بهانه ای بیش نیست و این را نیز می دانم که از پنجاه تا هفتاد درصد زن و مرد افغانستان مردم خوب هستند و مرا حمایت کردند، ولی بیست فیصدی که با لباسهای من مخالفت کرده اند، از آنها خواهش می کنم که مادرها، خواهرها و خانمهای شان را اذیت نکنند.

عده ای می گویند که زنها و خواهرهای ما با دیدن این لباس آریانا سعید، تقلید می کنند و از آریانا سعید یاد می گیرند. نخیر! این لباس ستیز است، لباس هنر مند است، طبیعتاً لباس هنرمند با لباس عام فرق می کند و هیچ آرزو ندارم که دخترها و یا خانمهای افغانستان این گونه لباس را بپوشند....

در **حالی که از آغاز صحبت** ها و توضیحات خانم سعید تا آخر همان لباس هنگامه بر انگیز بالای ستند فلزی قرار داده شده بود که هر قسمت از آناتومی لباس به صورت واضح به نظر می رسید، بالاخره خانم سعید گوگرد را به دست می گیرد و همراه با این جمله ها: اگر قرار باشد که مشکل افغانستان به خاطر این لباس و نپوشیدن این لباس حل شود، من آن را آتش می زنم.

خانم سعید بوتل پترول را بالای لباس می پاشد و با گوگرد آن را آتش می زند. شعله های آتش بالا می رود تا آن که به صورت کامل از بین می رود.

خانم آریانا سعید بسیار احترامانه خطاب به هموطنانش می کند و می گوید: هموطنان عزیز، همانطوریکه به خاطر لباس من در کنسرت از هر سو صداهای اعتراض بالا شد، خواهشمندم که با اتحاد کامل همگی به خاطر مشکل افغانستان صدا بلند کنند. مشکل اساسی کشور ما جنگ، فساد، بیکاری، چور، چپاول، آدم کشی، انتحاری، گوش و بینی بریدن زنها، بد بختی های قومی و زبانی و ده ها پرابلم دیگر است که به خاطر از میان برداشتن آنها تلاش کنیم و مسلمان واقعی باشیم.

در اخیر آمد، آمد ماه مبارک رمضان را به همه هموطنان تبریکی گفت رفاه و سعادت مردم افغانستان را آرزو کرد.

دیدگاه هفته نامه "افق" در هر کلمه جمله

وقتی سر و صدای لباس خانم آریانا سعید در سراسر دنیا پیچید، سیل نظریات موافق و مخالف از منظر دیدگاه های فردی توسط اشخاص و همچنان از منظر جمعی افراد از نگاه دینی، فرهنگی، مدنی و هنری از طریق صفحات مجازی چون وبسایت، فیسبوک، توئیتر و همچنان از طریق رسانه های خطی، آوازی و تصویری بیان گردید. و اما آنچه از دیدگاه هفته نامه "افق" حایز اهمیت می باشد این است که خانم آریانا سعید به خاطر احترام گذاشتن به خواست مردم از نهایت شرم، حیاء، شجاعت و متانت بسیار هوشیارانه و هنر مندانه چیزی را که به حق یا ناحق به خواست مردمش نبود آن را (لباسش را) آتش زد. و اما:

خلق و پرچم: کودتای هفت ثور که به حمایت روسها به وسیله خلقی ها و پرچمی ها به کرسی نشست، آنها با وعده های (کور، کالی، دودی) و با به کار بردن اصطلاحاتی که بی سوادان و حتی اکثریت با سوادان افغانستان به معنی

آنها پی نمی بردند مثل؛ اندیشه نوین، پرولتاریا، فیودال، امپریالیسم، شئونیزم، رهبر کارگران جهان و ده ها اصطلاح نا آشنای دیگر توجه توده های وسیع مردم را به خود جلب کردند.

به یاد دارم در زمان نورمحمد ترکی نابغه شرق!!، ابراهیم دهقان والی پروان بود، مرا در مکتب بسیار دور دست غوربند (بخدره) جزائی تبدیل کردند. مجموع شاگردان که در یک مسجد درس می خواندند از صنف اول تا سوم به بیست نفر نمی رسید. اما مردم ساده دل آنجا به خاطر خشنودی حکومت خلقی ها کلکین ها و دروازه مسجد را سرخ ساخته بودند و شعار های سرخ خلقی به در و دیوار مسجد نصب شده بود. این که در شهر ها و پایتخت چه می گذشت همه به یاد دارند. اما در مقابل همچو ساده دلی مردم، حکومت خلق و پرچم از همان آغاز به کشتن، زندانی ساختن و تبعید مخالفان و دگر اندیشان دست زد تا آن که زمانی فرارسید که انسان، حیوان، پرند، خزنده تا سنگ و چوب و کوه دشت افغانستان آماج توپ، تفنگ و طیاره های بم افکن تا لونا و اسکاد قرار گرفت... آیا مردم بد نصیب افغانستان این حق را نداشتند و یا ندارند که از سران حزب خلق و پرچم تا اعضای شعوری و غیر شعوری آنها این جمله ها و کلمه ها را که: (ما خلقی ها و پرچمی ها مردم را بی گناه کشتیم، زندانی ساختیم، تبعید کردیم، به عقاید دینی شان دست درازی کردیم. دکاندار، تکسی ران، ملازم، دهقان، کارگر ... را به جرم مسلمان بودن و یا عدم همکاری با حزب ما به قتل رساندیم ... چه می شد این عملکردهای شان را روی کاغذ می نوشتند و به گونه سمبولیک مثل آریانا سعید آن را آتش می زدند. در حالی که تا هنوز بسا خلقی و پرچمی که صدها تحصیل کرده غرب را به جرم تحصیل یافته غرب به قتل رسانده اند بدون آنکه شرم و حیا داشته باشند در دامن غرب افتاده و به یاد و دکای روسی شامپاین غربی را سر می کشند و یگان وقت بسیار مزورانه و شیدانه با همان دیپلماسی بی حیائی به این اکتفا می کنند که: (ما هم یگان اشتباه داشتیم...).

مجاهدین: تعدادی از بستگان (سیاسی- اسلامی) افغانستان در زمان داوود خان و پس از آن در زمان حاکمیت کودچیان ثوری که زندگی شان با خطر مواجه بود به پاکستان و ایران متواری شدند. اکثر آنها اگر در افغانستان کدام سر پناه معمولی داشتند یا نداشتند، اما هنگام ورود به پاکستان در زمین گیاه نداشتند و در آسمان ستاره. حکومت های ایران و پاکستان بنابر سیاست های شیطانی شان زیر نام دین و مذهب آنها را میدان داد تا از نام اسلام و حاکمیت الحادی خلق و پرچم و همچنان اشغال افغانستان توسط لشکر سرخ هزاران تن از مسلمانانی را که زندگی شان در خطر بود، به نام جهاد فی سبیل الله به سوی خود جذب کنند. از شیعه تا سنی به ندای این مدافعان اسلام!! لبیک گفتند و هر کدام را به حیث رهبر قبول کردند و در راه جهاد تا مرحله شهادت های بی شمار ایستادگی کردند. اما دیده شد که سران تنظیم های جهادی پس از سقوط حکومت داکتر نجیب الله هر کدام زیر نام حزب، قوم، زبان، مذهب و منطقه به خاطر احراز قدرت به جان هم افتادند و افغانستان را به حالت بد و بدتر از دوران خلق و پرچم ساختند. از مصیبت جنگ تا قتل، رهنزی، دزدی، چور، چپاول، غصب زمین و غصب سایر دارائی های عامه و بی شمار بدبختی ها را به وجود آوردند و اما عجیبتر از همه که اخیراً آقای گلبدین حکمتیار (با وجود قتل و راکت پرانی هایش در شهر کابل، نامش در لیست سیاه جنایتکاران جنگی درج شده بود و پس از شکست موقت طالبان ظاهراً با حکومت های کرزی و احمد زی در مصاف بود و به قتل مردم بی گناه از جمله انتحار و انفجار که تازه ترین حمله انتحاری او به قتل رساندن مردم بی گناه ملکی شاه شهید و میدان هوایی کابل می باشد، با اشرف غنی معامله صلح را انجام داد ولی با پُر روئی و گستاخی بی حد یک بار دیگر با ساز و برگ مهیب نظامی و همان موی دراز هائی که بار ها به کشتار دست زده اند، هوا و فضای کابل را متشنج ساخت و با پر روئی تمام گفت: (گذشته را فراموش می کنیم) و اما این جرأت اخلاقی را نداشت که حد اقل به خاطر ارواح شهیدانی که حتی پنج نفر هم بوده باشد،

اتحاف دعا کند و به باز ماندگان آنها ابراز تسلیت کند. ببینید که فرق میان آریانا سعید یک خانم هنر مند تا این داعیه داران اسلام از کجا تا به کجاست؟

طالبان، کرزی و احمد زی: طالبان، کرزی و احمد زی را به خاطری در یک ردیف قرار دادیم که هر سه اینها خار هائی اند از یک خارستان که رنگ آنها فرق می کند. طالب همان هیولای سیاهی است که زمین سوخته، نسل کشی، فرهنگ سوزی و سیاهی را از خود به جا گذاشت. و اما کرزی آنها را برادر خطاب کرد و اشرف غنی تا آخر از آنها حمایت کرد. علوئاً حکومت های تقلبی (زی ها) توانست که اعلی ترین نمرات منفی را در فساد و ده ها جنایت دیگر برای افغانستان در سطح جهان کسب کند.

آیا این دو حاکم متقلب و حواریون شان که غرق در عشرت جهنمی اند، نمی توانستند به خاطر آنهمه جنایاتی که در دوران حاکمیت شان به وجود آمده، حد اقل مثل خانم آریانا سعید اخلاق می کردند و کارنامه های اعمال شان را به آتش می کشیدند؟

در فرجام به این نتیجه می رسیم که خانم آریانا سعید این هنر مند گرامی توانست با آتش زدن لباس یک عمل جسورانه و متهورانه را در برابر بد اخلاقان حکومتی، سیاسی، مذهبی و سایر کسانی که به هرنحوی بر ملت ما جفا کرده اند، به نمایش بگذارد. هفته نامه (افق) برای خانم آریانا سعید موفقیت تمنا می کند.